

آیه ۳۷

آیه و ترجمه

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُمْ نَصِيبُهُمُ مِنَ الْكُتُبِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتُوفُونَهُمْ قَالُوا إِنَّ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ۝ ۳۷

ترجمه :

۳۷ - چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا دروغ می‌بندند یا آیات او را تکذیب می‌نمایند؟ آنها نصیبشان را از آنچه مقدر شده (از نعمتها و مواهب این جهان) می‌برند تا زمانی که فرستادگان ما (فرشتگان قبض ارواح) به سراغ آنها روند و جانیشان را بگیرند از آنها می‌پرسند: کجاستند معبودهائی که غیر از خدا می‌خواندید؟ (چرا به یاری شما نمی‌آیند؟) می‌گویند آنها (همه) گم شدند (و از ما دور گشتند) و بر ضد خود گواهی می‌دهند که کافر بودند!

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۶۳

تفسیر :

از این آیه به بعد قسمتهای مختلفی از سرنوشت شومی که در انتظار افتراگویان و تکذیب کنندگان آیات خدا است، بیان شده، نخست به چگونگی حال آنها به هنگام مرگ اشاره کرده می‌گوید: چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا دروغ می‌بندند و یا آیات او را تکذیب می‌کنند؟! (فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ)

همانطور که در سوره انعام ذیل آیه ۲۱ اشاره کرده‌ایم، در چندین آیه از قرآن با تعبیرهای مختلفی، ستمکارترین مردم معرفی شده‌اند، ولی صفاتی که برای آنها بیان شده همه به یک ریشه باز می‌گردد و آن شرک و بت پرستی و تکذیب آیات پروردگار است، در آیه مورد بحث، علاوه بر تکذیب آیات الهی، تهمت و افتراء بر خدا به عنوان صفت بارز آنان، ذکر شده است.

با توجه به اینکه از دیدگاه قرآن، ریشه تمام بدبختیها شرک و سرمایه همه سعادت‌ها توحید است، روشن می‌شود که چرا این افراد گمراه و گمراه کننده، ستمکارترین مردمند، اینها هم به خویشتن ظلم می‌کنند هم به جامعه‌ای که به

آن تعلق دارند، بذر نفاق و پراکندگی را در همه جامی‌پاشند و مانع بزرگی بر سر راه وحدت صفوف و پیشرفته‌ها و اصلاحات واقعی هستند. سپس وضع آنها را به هنگام مرگ چنین توصیف می‌کند آنان چند روزی بهره خود را از آنچه برایشان مقدر شده است می‌برند و از نعمتهای مختلف سهم خود را می‌گیرند، تا پیمانۀ عمرشان لبریز گردد و به اجل نهائی برسد، در این هنگام فرشتگان ما که مامور گرفتن ارواحند به سراغ آنها می‌آیند (اولئک ینالهم نصیبهم من الکتاب حتی اذا جائتهم رسلنا یتوفونهم).

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۶۴

منظور از کتاب در جمله بالا مقدراتی است که خداوند برای بندگان خود از نعمتهای مختلف این جهان قرار داده است، اگر چه بعضی از مفسران احتمال داده‌اند منظور از کتاب کیفر الهی و یا اعم از هر دو بوده‌باشد. ولی با توجه به کلمه حتی که معمولاً اشاره به پایان چیزی است روشن می‌شود که منظور تنها نعمتهای گوناگون دنیا است که هر کسی اعم از نیکوکار و بدکار سهمی از آن دارد و به هنگام مرگ پایان می‌گیرد نه کیفرها و مجازاته‌های الهی که با مرگ پایان نمی‌یابد و تعبیر به کتاب از این مقدرات به خاطر آن است که شباهت به مسائلی دارد که سهم بندی و نوشته می‌شود. به هر حال از لحظه مرگ مجازاته‌های آنها شروع می‌شود، نخستین بار باتوبیخ و سرزنش فرشتگان پروردگار که مامور گرفتن جانسان هستند و بر او می‌شوند، آنها می‌پرسند کجا هستند معبودهائی که غیر از خدای پرستیدید و یک عمر از آنها دم می‌زدید و همه چیز خود را نابخردانه در پای آنها می‌ریختید؟! (قالوا این ما کنتم تدعون من دون الله). آنها چون دست خود را از همه چیز کوتاه می‌بینند و پندارهائی را که درباره معبودهای ساختگی داشتند همچون نقش بر آب مشاهده می‌کنند، در پاسخ می‌گویند: آنها همه گم شدند و از ما دور گشتند اثری از آنها نمی‌بینیم و هیچگونه قدرتی بر دفاع از ما ندارند، و تمام عبادات ما برای آنها بیهوده بود (قالوا ضلوا عنا).

و به این ترتیب خودشان بر ضد خود گواهی می‌دهند که کافر بودند (وشهدوا علی انفسهم انهم کانوا کافرین).

گر چه ظاهراً مساله این است که فرشتگان سؤالی می‌کنند و آنها نیز

پاسخ می‌گویند، ولی در واقع این یکی از مجازاتهای روانی برای آنها است
که آنها را متوجه

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۶۵

وضع ناگواری که بر اثر اعمالشان دامن آنها را گرفته است می‌نمایند و به آنها
نشان می‌دهند که چگونه یک عمر در بیراهه‌ها سرگردان بوده و
تمام سرمایه‌های وجود خود را از دست داده‌اند و هیچ چیز نیندوخته‌اند،
درحالی که راه بازگشت به روی آنها بسته است و این نخستین تازیانه
آتشین مجازات الهی است که بر روح آنها نواخته می‌شود.